



DOR: 20.1001.1.27833542.1400.1.1.6.4

**THE ROLE OF RATIONALITY IN ATTRACTING THE LOVE OF
GOD IN THE QUR'AN AND HADITH
WITH AN APPROACH TO THE VIEWS OF
AYATOLLAH JAVADI AMOLI**

(Received: 7 August 2021 / Accepted: 25 August 2021)

Fatemeh Afrasiabi¹

Seyed Mohammad Reza Hosseininia²

ABSTRACT

Attracting the love of God is one of the goals of the sending the prophets and their caliphs, which is the result of many factors, including the growth of the virtues of individual morality. Rationality as one of the virtues of the individual morality, is necessary to benefit from the universe knowledge. The present study is a descriptive-analytical method and library and software collects and quotes from verses of the Quran and narrations of the Infallibles (AS) and emphasizes the views of Ayatollah Javadi Amoli in examining the role of rationality in attracting God's love has reached the following results: obedience to the divine commands and the infallibles (AS), in order to call to contemplation about the universe, is an important factor in achieving the love and knowledge of God, that with its increase the true faith can be obtained; Therefore, rationality is a divine resource for planning in the affairs of life and reforming the affairs of the Hereafter, which leads to the emergence of true faith and the acceptance of Allah [Haqq] as the only beloved.

KEYWORDS: God's Love, Reason, Rationality, Ayatollah Javadi Amoli

1- PhD Student, Quran and Hadith Sciences, Ilam University, Ilam, Iran. F.afrasiaby1356@gmail.com

2- Associate Professor, Department of Quran and Hadith, Ilam University, Ilam, Iran,
(Corresponding Author) mohhos313@yahoo.com

DOR: 20.1001.1.27833542.1400.1.1.6.4

نقش عقل‌ورزی در جلب محبت خداوند در قرآن و حدیث با رویکردی بر نظرات آیت‌الله جوادی آملی

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۵/۱۶ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۳)

فاطمه افراسیابی^۱، سید محمد رضا حسینی‌نیا^۲

چکیده

جلب محبت خداوند از جمله اهداف بعثت پیامبران و اوصیای ایشان است که معلول عوامل فراوانی از جمله رشد فضایل اخلاق فردی است. عقل‌ورزی به‌عنوان یکی از فضایل اخلاق فردی، امروزه برای بهره‌گیری از شناخت جهان هستی ضرورت دارد. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و جمع‌آوری کتابخانه‌ای و نرم‌افزاری و استناد به آیات قرآن و روایات معصومان^(ع) و تأکید بر نظرات آیت‌الله جوادی آملی در بررسی نقش عقل‌ورزی بر جلب محبت خداوند به این نتایج دست یافته است که تبعیت از اوامر الهی و معصومان^(ع)، در دعوت به تدبّر در مورد جهان هستی، عامل مهم دستیابی به محبت و معرفت خداوند است که با افزایش آن ایمان واقعی حاصل می‌شود؛ بنابراین عقل‌ورزی سرمایه‌ای الهی برای تدبیر در امور زندگی و اصلاح امور آخرت است که منجر به بروز ایمان واقعی و پذیرش حق به‌عنوان تنها محبوب می‌شود.

واژگان کلیدی: محبت خدا، عقل، عقل‌ورزی، آیت‌الله جوادی آملی

۱- دانشجوی دکتری، علوم قرآن و حدیث، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران. f.afraziaby1356@gmail.com
۲- دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران، (نویسنده مسئول) mohhos313@yahoo.com

مقدمه

وجود انسان از دو بُعد مادی (بدن) و بعد روحی تشکیل شده است. بعد روحی انسان نیز به نوبه خود دارای دو جنبه شناختی و عاطفی است. از بعد شناختی با عنوان‌های مختلفی چون فکر، ذهن، ادراک و... و از بعد عاطفی نیز با تعبیرات مختلفی مانند قلبی، گرایشی و انگیزشی یاد می‌شود. بعد شناختی یا قوه عاقله، عهده‌دار شناخت جهان هستی است که انسان با تکیه بر آن می‌تواند جهان هستی را درک کند. آیات و روایات بسیاری وجود دارد که به تبیین جایگاه و اهمیت به کارگیری قوه عاقله اشاره دارد. خداوند متعال در این زمینه می‌فرماید: ﴿وَ اِخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ رِزْقٍ فَأَحْيَاءَ بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ آيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾ (جاثیه: ۵)؛ و در رفت و آمد شب و روز و آنچه خدا از آسمان روزی (برای خلق از برف و باران) می‌فرستد و زمین را پس از خزان مرگ دیگر بار بدان‌ها زنده می‌سازد و در وزش بادهای عالم، در همه این موجودات برای خردمندان جهان آیاتی (از قدرت صانع) پیدا است. پس کسانی را که از عقل خود بهره نمی‌برند، توبیخ می‌کند و می‌فرماید: ﴿أَفِ لَكُمْ وَلِمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ (انبیاء: ۶۷)؛ اف بر شما و بر آنچه به جز خدای یکتا می‌پرستید، آیا شما عقل خود را هیچ کار نمی‌بندید؟ زیرا آن‌ها به دلیل عدم استفاده از قدرت عقل و اندیشه در انتخاب معبود واقعی، دچار گمراهی شده، به بیراهه رفتند و غیر خدا را پرستش کردند.

بنابراین با توجه به اهمیت و جایگاه استثنایی عقل‌ورزی، به‌عنوان یکی از فضایل اخلاق فردی و نقش تعیین‌کننده آن در زندگی فردی و اجتماعی انسان، این سؤال مطرح می‌شود که چگونه می‌توان با توسعه آن محبت خداوند را جلب کرد؛ زیرا در جامعه امروز نیز به دلیل اشتغال بیش از حد به امور مادی، توسعه فناوری و پرداختن به امور ظاهری، انسان‌ها کمتر مجال برای تفکر پیدا می‌کنند؛ یعنی عقل‌ورزی و بهره‌گیری از قدرت اندیشه و استدلال کم‌رنگ شده و آثارش به وضوح در عواقب و پشیمانی‌های بعد از انجام دادن عمل به‌خوبی قابل حس و درک است. از این رو لازم است که به عوامل مؤثر در تقویت و گسترش این سرمایه الهی بیشتر پرداخته شود. بنابراین بررسی نقش‌شد عقل‌ورزیدر افراد به جهت کسب محبت خداوند ضرورت دارد؛ پس در این پژوهش سعی شده است که علاوه بر بررسی جایگاه عقل‌ورزی از نظر آیات و روایات و کلام بزرگان علم اخلاق چون آیت‌الله جوادی آملی، به این سؤال نیز پاسخ دهد که تقویت عقل‌ورزی، چه نقشی در جلب محبت خداوند دارد؟

در مورد پیشینه تحقیق می‌توان به مواردی اشاره نمود؛ از جمله مقاله «نسبت عقل و ایمان در آموزه‌های اسلامی» از آقای محمد فنایی اشکوری که در مجله معرفت (شماره ۱۳۳، سال ۱۳۸۷) چاپ شده است، ضمن معرفی ایمان به عنوان مؤلفه‌ای مبنی بر معرفت، عقل به معنای قوه فهم و تفکر بشری را راه عادی و عام برای دستیابی به معرفت می‌داند. متکلمان اسلامی و فلاسفه نیز با اتکا بر توانایی عقل بشری در فهم دین، به تبیین مفاهیم دینی و اثبات باورهای بنیانی دین می‌پردازند. با این‌که عقل آدمی نیز مانند وجودش محدود و متناهی است و درک همه حقایق نامتناهی فراتر از توان عقلایی بشر است، اما عرفای اسلامی نیز علاوه بر تأکید بر محدودیت عقل آدمی، بدون انکار ارزش‌های آن، راه تجربه باطنی و دل را برای شناخت حقایق قدسی در پیش گرفته‌اند که هر چند فراتر از درک عقل است، اما رازی که ناسازگار با عقل و در تعارض با آن باشد، وجود ندارد.

همچنین مقاله «تبیین مفهوم عقل و عقل‌ورزی از منظر روایات به عنوان مبنایی برای سرمایه‌های سازمان (انسانی، اجتماعی، روان‌شناختی، معنوی)» از آقایان احسان رحیمی، حسن زارعی متین و حسین پرکان در نشریه مدیریت سرمایه اجتماعی (دوره ۵، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۷) به چاپ رسیده است که عقل و عقل‌ورزی را به‌عنوان مبنایی برای انواع سرمایه‌های سازمانی معرفی می‌کند و روایات مطرح‌شده در زمینه ویژگی‌های عقل و مشتقات آن را با بهره‌گیری از دو الگوی راین و برنارد و کینگ و هولوکس تحلیل می‌کند که نشان می‌دهد همه ویژگی‌های عقل و عقل‌ورزی مطرح در روایات، نه تنها متضمن ویژگی‌های سرمایه‌های یادشده بود، بلکه فراتر از آن‌ها است؛ به‌طوری‌که می‌توان گفت سرمایه معنوی جلوه‌ای از عقل‌ورزی در ساحت اندیشه، سرمایه روان‌شناختی جلوه‌ای از عقل‌ورزی در ساحت گرایش‌ها و صفات و سرمایه اجتماعی از عقل‌ورزی در ساحت اعمال و رفتارهای انسان است.

مقاله دیگر با عنوان «عقل نظری و عقل عملی از نظر ملاصدرا» نوشته خانم اکرم عسکرزاده مزرعه که در دو فصلنامه علمی، فرهنگی و اجتماعی ساو اندیشه (سال دوم، شماره ۵، سال ۱۳۹۸) چاپ شده است، عقل فطری را شامل دو قوه عقل نظری و عقل عملی می‌داند که اکتسابی هستند و فاعل شناسا با طی کردن مراحل مختلف، قوه عقلایی نظری و عملی را از مرحله بالقوه به مرحله بالفعل می‌رساند. سیر استکمالی عقل نظری و عملی، موجب استکمال نفس فاعل شناسا می‌شود و بستر مناسب برای ایجاد و شکل‌گیری درک صادق در فاعل شناسا را مهیا می‌کند.

با بررسی پیشینه تحقیقات انجام شده در زمینه عقل باوری در آیات و روایات، این نتیجه حاصل شد که تاکنون پژوهش مشابهی با موضوع مقاله پیش رو انجام نشده است.

۱- مفهوم‌شناسی

۱-۱. محبت

محبت از ریشه «حُبّ» متضاد بغض و در لغت به معنای مهر، دوستی، مودت، دوست داشتن (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۱: ۲۹۸؛ فیومی، ۱۴۱۴ق، ۲: ۱۱۷؛ ابن سیده، ۱۴۲۱ق، ۲: ۵۴۲) و عشق و دل‌دادگی (جوهری، ۱۴۰۴ق، ۱: ۱۰۵) است و در اصطلاح نیز به معنای اتحاد میان محبّ و محبوب است که جز به سبب ملایمت با طبع حاصل نمی‌شود (نراقی، ۱۳۸۶: ۵۶۶)؛ ارتباط وجودی بین محبّ و محبوب که نوعی جذب شدن آگاهانه و ویژه بین انسان و کمال او است (طباطبایی، ۱۳۶۰، ۱: ۱۱۴). «حَبّ» از «حَبَب» و «حبه» به معنای دانه گرفته شده است؛ چون محبوب در تخم و دانه مرکزی قلب محب رخنه می‌کند که از آن به سودای دل یاد می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۴، ۷: ۹۸؛ جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۸: ۲۶۸). میل به چیزی که می‌بینی و آن را خیر می‌پنداری بر سه وجه است: ۱- محبت برای لذت‌جویی ۲- محبت برای منفعت‌طلبی و ۳- محبت به خاطر فضیلت و خصوصیت ارزنده؛ مانند محبت الهی بر بنده که عطای نعمت‌ها است و محبت بنده به خدا که درخواست تقرب و نزدیکی به پروردگار است (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷: ۱۶۹). در پژوهش حاضر منظور از محبت، نوع سوم محبت است.

۱-۲. عقل

عقل در لغت به معنای فهم، معرفت و درک (قرشی بنابی، ۱۳۰۷، ۵: ۲۸)، علم (حسینی زبیدی، ۱۳۸۵، ۱۵: ۵۰۴)، بند کردن و باز ایستادن مانند بستن شتر با پایبند (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷: ۵۷۸)، منع، جلوگیری و بازداشت (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ۱۱: ۴۵۸؛ جوهری، ۱۴۰۴ق، ۵: ۱۷۶۹) و در اصطلاح به معنای ملکه و حالتی در نفس است که به صورت اختیاری به خیرات و منافع دعوت می‌کند و از شرور و ضررها اجتناب می‌نماید (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۲۵). به نیرویی که آماده برای پذیرش علم است (همان) و دانشی که با آن نیروی باطنی انسان از آن سود می‌برد نیز عقل گفته می‌شود که بر دو گونه است: عقل طبیعی فطری و عقل اکتسابی از مسموعات. هرگاه عقل فطری در انسان نباشد، عقل اکتسابی و شنیده‌ها هم سود

نمی‌بخشد(همان)؛ همچنین به معنای غریزه‌ای است که به وسیله آن، انسان برای فهم خطاب مهیا می‌شود(قیومی، ۱۴۱۴ق، ۲: ۴۲۳) و نیرویی در دل آدمی است که او را از کار زشت باز می‌دارد و به عنوان یک نیروی شناختی، زشت و زیبا را جدا می‌سازد(ورام، ۱۴۳۶ق: ۵۵۴).

۲- اقسام محبت به خدا

یکی از بالاترین اقسام محبت، محبت اهل معرفت از بندگان نسبت به خداوند است که ثمره برداشته شدن موانع غفلت از قلب آدمی و فراهم شدن زمینه نزدیکی به خداوند است. این نوع محبت به سه شکل فطری، اکتسابی و موهبتی قابل دست‌یابی است (نراقی، ۱۳۸۶: ۵۹۰-۵۷۰).

۲-۱. فطری

انسان از همان ابتدای خلقت، محبت به خدا را به شکل فطری در درون خودش دارد، ولی به خاطر دل‌مشغولی به دنیا در حجابی از غفلت قرار گرفته است. علمای اخلاق معتقدند که هیچ دلی نیست که از لمعه محبت در آن نوری نباشد و از نشئه آن در او شوری نباشد. پس بیشتر اقسام محبت، فطری و طبیعی است و به اختیار آدمی نیست. بنابراین نیاز به کسب و تحصیل ندارند؛ مانند محبت علّت و معلول و محبت صانع و مصنوع. پس هر کس در این قسم از محبت ناقص باشد، به همان اندازه فطرت او معیوب است (نراقی، ۱۳۸۶: ۵۷۰). بنابراین همه اشیا و پدیده‌های عالم همراه با تسبیح‌گویی پروردگار، به او محبت تکوینی دارند که مانند کیفیت تسبیح آنان از فهم انسان به دور است (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۸: ۳۰۷). در حقیقت، فطرت حق‌پویی، حق‌شناسی و حق‌خواهی، نحوه هستی و هویت انسان است و هیچ انسانی بدون چنین فطرتی خلق نشده و نمی‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۵۵)؛ یعنی همان‌طور که اصل دین محبوب انسان است، خداوند سبحان نیز که اعتقاد به توحید او در رأس دین است، محبوب انسان است و هر چه به‌طور ذاتی محبوب انسان باشد، فطرت نیز به او گرایش دارد(جوادی آملی، ۱۳۹۸الف: ۲۸). بنابراین طبق آیات قرآن و روایات وارده، هسته اولیه محبت به حق در روح نوع انسان، به شکل فطری و تکوینی به ودیعه نهاده شده است و هر انسانی خواسته یا ناخواسته از این محبت الهی بی‌بهره نبوده و جرعه‌ای از آن را چشیده است،

البته انسان مؤمن با پرورش این حبّ الهی، عشق و محبتش را نسبت به خداوند روزبه‌روز بیشتر کرده و به واسطه آن زمینه را برای کسب توفیقات بیشتر فراهم می‌کند.

۲-۲. اکتسابی

در این نوع از محبت، خود انسان باید مراحل مجاهدت و سلسله مراتب را پشت سر بگذارد؛ یعنی با تلاش و ریاضت فراوان، زمینه دست‌یابی به آن را فراهم کند. علمای اخلاق نیز در این زمینه معتقدند که محبت به اختیار و کسب نادر است؛ مانند محبت به احسان و انعام (نراقی، ۱۳۸۶: ۵۷) تحصیل این نوع محبت، به معرفت خدا، تقویت آن و مسلط ساختن آن بر خزانه دل و تحصیل معرفت نیز بر مواظبت بر طاعات و عبادات، ابتهال به درگاه خداوند و پی‌بردن به وجود خداوند از طریق مصنوعات وابسته است که تحصیل این نوع محبت و معرفت برای همه کس مقدور است و نرسیدن بعضی از افهام به آن، به جهت کوتاهی در تفکر و تدبّر و اشتغال به شهوات دنیا و لذات نفسانی است (همان: ۵۹۱-۵۹۰)؛ بنابراین این نوع محبت، نیازمند مجاهدت و تلاش فراوان آدمی در میدان زندگی است. پس هر کس باید بتواند با مهار نفس بر قوای علمی و عملی خود چیره شود؛ یعنی در استدلال، حس، خیال و وهم را تحت سیطره عقل نظری دریاورد و در عمل نیز قوای شهوت و غضب را مهار و تحت نفوذ عقل عملی درآورد که زمینه دست‌یابی به محبت الهی برایش فراهم شود و بتواند از آثار و برکات آن در زندگی بهره‌مند شود.

۲-۳. موهبتی

این نوع از محبت بر اساس عنایت حق تعالی حاصل می‌شود و در حقیقت موهبت و عنایت ویژه خداوند متعال به محبوبان واقعی است؛ زیرا استحقاق و شایستگی لازم برای دریافت چنین رتبه و درجه‌ای را دارند. در کلام بزرگان علم اخلاق، هیچ لذت و محبتی نیست که از ثمره نعمت او نباشد و هیچ احسانی نیست که از خوان احسان و عطیت او نباشد (همان: ۵۷۲). این الطاف و کرامات الهیه مخصوص بندگانی است که نسبت خود به پروردگار را شناخته‌اند و دانسته‌اند که شرافت و کمالی نیست، مگر معرفت به او. بنابراین با مواظبت بر طاعات و عبادات، اجتناب از گناهان کبیره، متّصف شدن به اوصاف فاضله و شوق به لقای الهی، خود را به این سعادت رسانده‌اند (همان: ۶۰۰)؛ بنابراین، عنایت ویژه خداوند منحصر به کسانی است که سراسر عمر خود را در راه معرفت خداوند به کار گرفته‌اند، در

طریق معرفت به درجه کمال رسیده‌اند و از این طریق، شأنیت لازم برای کسب موهبت و عنایت ویژه خداوند متعال را به دست آورده و خود را از دیگران ممتاز ساخته‌اند.

۳- راه‌های دستیابی به محبت خداوند

انسان از دو طریق می‌تواند محبت به خدا را کسب کند: به شکل مستقیم، با انجام اموری همچون ترک گناه، قطع علاقه از دنیا، یاد خدا، نماز شب، ترک هوا، تفکر و پذیرفتن ولایت رسول (ص) و معصومان (ع) و به شکل غیرمستقیم، با انجام اموری همچون توبه و طهارت، نیکوکاری، صبر، جهاد در راه خدا، شکرگذاری، توکل، تقوا، عدل، یاد مرگ، سوز دل، خدمت به خلق، دوستی به خاطر خدا و کم‌خوری، کم‌خوابی و کم‌حرفی (خلیلی، ۱۴۳۲ق: ۵۶۴-۵۷۴) که به علت گسترده بودن بحث، در این پژوهش فقط به شکل موردی به آن‌ها اشاره شد.

۴- بررسی نقش عقل‌ورزی در جلب محبت خدا

خداوند متعال نیز در آیات متعددی از قرآن و ائمه (ع) در کلام خویش، پیروان خود را به اندیشیدن و عقل‌ورزی دعوت می‌کنند و از آنان می‌خواهد که با تفکر در عالم خلقت و جهان هستی، به وجود خالق عظیم و قادر مطلق پی ببرند و فقط او را لایق محبت و عشق‌ورزیدن بدانند؛ زیرا فقط او غنی مطلق و برآورنده همه نیازهای بشری است. بنابراین اندیشیدن و به کار گرفتن عقل، یکی از دستورات موکد الهی و معصومان (ع) است که بی‌شک نتایج پرباری را در زندگی دنیا و آخرت به دنبال خواهد داشت. در حقیقت، می‌توان گفت که عقل انسان عهده‌دار سامان دادن به همه ابعاد، رفتارها و شناخت جهان هستی است که با درک برتری آخرت بر دنیا، از دنیا برای رسیدن به سعادت نهایی در آخرت، بهره می‌گیرد.

۴-۱. در آیات قرآن

خداوند متعال در آیات فراوانیبه جایگاه عقل و نقش آن در سعادت انسان اشاره کرده است؛ به عنوان مثال در آیه ۳۲ سوره انعام می‌فرماید: «وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَهْوٌ وَلَكُلِّدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (انعام: ۳۲)؛ و زندگی دنیا جز بازی و هوس‌رانی نیست و همانا سرای دیگر برای اهل تقوا نیکوتر است، آیا تعقل نمی‌کنید؟ یعنی خداوند

پس از مقایسه میان دنیا و آخرت، مردم را به اندیشیدن دعوت می‌کند تا خود به برتری آخرت بر دنیا پی ببرند (جعفری، ۱۳۷۶، ۳: ۳۷۴). در حقیقت مقایسه بین دو چیز است که هر دو سهمی از خیر و خوبی دارند؛ اما یکی از آن‌ها از دیگری برتر و نسبت به آن خیر است (زینلی، ۱۳۹۸: ۱۴۰)؛ یعنی با عقلی که خدا در آنان به ودیعت سپرده بین حق و باطل و خوب و بد تمییز می‌دهند (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ۱۸: ۲۳). بنابراین اندکی تأمل و تعقل در آیات کافی است که انسان، خدا را دوست بدارد؛ زیرا از آثار توحید ناب و مبتنی بر دلیل، محبت خالص است (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۸: ۲۷۱). اندیشیدن درباره نعمت‌های خداوند از بالاترین عبادت‌هاست؛ زیرا اگر مردم درباره عظمت خداوند می‌اندیشیدند، نافرمانی خدا را نمی‌کردند (ورام، ۱۴۳۶ق: ۴۵۷)؛ زیرا نگرش صحیح در کارها باعث نجات از غرور و تصمیم در رأی، رهایی از تفریط و پشیمانی است. دقت و اندیشه نشانگر هوشیاری و مشورت با دانایان باعث استواری یقین و نیروی بینش است. پس انسان باید پیش از تصمیم به کاری در آن اندیشه کند و قبل از اقدام به کاری، به آن کار فکر کند و پیش از دست به کار شدن، مشورت نماید (همان: ۴۸۵). بنابراین، عقل‌ورزی به عنوان یکی از راه‌های شناخت خداوند است که همه بزرگان دین، متکلمان و فلاسفه با اتکا بر توانایی‌های این قوه، توانسته‌اند به تبیین مفاهیم دینی و اثبات باورهای اساسی آن بپردازند. بنابراین خداوند متعال نیز بندگان خود را همواره به عقل‌ورزی دعوت می‌نماید تا علاوه بر تبعیت از فرمان خدا و معصومان^(ع)، با معرفت پیدا کردن نسبت به خداوند، زمینه کسب محبت الهی را فراهم کنند؛ چون تا وقتی انسان کسی را خوب نشناسد، نمی‌تواند او را دوست داشته باشد.

با توجه به دیگر آیات قرآن نیز، استفاده از نعمت عقل و به کارگیری آن در امور زندگی آثار بی‌شماری مانند پیروی از بهترین آرا (زمر: ۱۷-۱۸)، درس گرفتن از حقایق موجود در عالم (بقره: ۱۶۴)، موعظه‌پذیری (قصص: ۶۰، انعام: ۳۲) و عبرت‌گیری از گذشتگان (صافات: ۱۳۶-۱۳۸) دارد. همچنین عقل و عقل‌ورزی از نظر معصومان^(ع)، سرمایه‌ای است که خداوند متعال برای انسان خلق فرموده است تا انسان بتواند با به کارگیری آن در دنیا و آخرت، سعادت خود را ایجاد کند. با این بیان می‌توان سرمایه‌های مطرح‌شده (یعنی انسانی، اجتماعی، معنوی و روان‌شناختی) را از جمله ارزش‌افزوده‌های عقل در زندگی دنیا دانست؛ به علاوه طبق روایات، همین سرمایه میزان سنجش و ارزیابی انسان خواهد بود (رحیمی و دیگران، ۱۳۹۷: ۵۹۸)، البته قرآن بر اندیشه‌ای صحه می‌گذارد که به موجب آن انسان به سوی خداوند حرکت نموده و

در پرتو آن به سعادت ابدی نایل گردد؛ بنابراین انسانی که از تعالیم پروردگار فاصله بگیرد، به همان اندازه اندیشه‌اش رو به زوال می‌نهد و فضای روحش در تاریکی فرو رفته و در نهایت به خسران ابدی دچار می‌شود (خوشخو و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۷). بر این اساس می‌توان گفت اندیشه و تعقلی مورد تأکید آیات و روایات و بزرگان دین است که موجب رسیدن به خداوند شود و یاد خدا را در رأس همه امور قرار دهد که ثمره و بهره‌نهایی محبت داشتن به خداوند متعال است.

۲-۴. در روایات

پیامبر (ص) در وصیت به امام علی (ع) می‌فرماید: «یا علی! اولین چیزی را که خداوند خلق فرمود عقل است. بعد به عقل فرمود: نزدیک آی، عقل نزدیک آمد و فرمود: دور شو، پس دور شد. آن‌گاه فرمود: به عزت و جلالم مخلوقی محبوب‌تر از تو نیافریده‌ام. به وسیله تو عقاب می‌کنم، بخشش می‌نمایم و ثواب می‌دهم» (طبرسی، ۱۳۷۰، ۲: ۴۰۳). امام علی (ع) نیز می‌فرماید: «فَقَدْ الْعَقْلُ فَقَدْ الْحَيَاةَ وَلَا يُقَاسُ إِلَّا بِالْأَمْوَاتِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۲۷؛ فیض کاشانی، ۱۳۸۳، ۸: ۲۵۸)؛ نبودن عقل، نبودن زندگی است؛ زیرا بی‌خردان فقط با مردگان مقایسه می‌شوند و «اعقل الناس من غلب جده هزله واستظهر على هواه بعقله» (انصاری قمی، بی‌تا: ۱۷۱؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۴، ۵۱۸: ۱۰)؛ خردمندترین مردم کسی است که جدی بودنش بر مسخرگی‌اش چیره باشد و در برابر هوس خود از عقلش کمک بگیرد و نیز می‌فرماید: «رَأَى الرَّجُلَ مِيزَانَ عَقْلِهِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ۶: ۹۵)؛ رأی مرد ترازوی عقل او است؛ یعنی به وسیله رأی یک نفر می‌توان میزان عقل او را سنجید و از میزان استحکام و ضعف رأی و اندیشه هر کس قدر عقل او را می‌توان معلوم کرد.

امام صادق (ع) نیز در بیان اهمیت به کارگیری قوه عاقله می‌فرماید: «مَنْ كَانَ عَاقِلًا كَانَ لَهُ دِينٌ وَمَنْ كَانَ لَهُ دِينٌ دَخَلَ الْجَنَّةَ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۱۱)؛ هر که عاقل است، دین دارد و هر که دین دارد، به بهشت می‌رود. امام علی (ع) نیز می‌فرماید: «أَفْضَلُ النَّاسِ عَقْلًا أَحْسَنُهُمْ تَقْدِيرًا لِمَعَاشِهِ وَأَشَدُّهُمْ اِهْتِمَامًا بِاصْلَاحِ مَعَادِهِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۵۲)؛ عاقل‌ترین مردم کسی است که در امور زندگی‌اش بهتر برنامه‌ریزی کند و در اصلاح آخرتش بیشتر همت نماید. از امام باقر (ع) و امام صادق (ع) نیز در جواب پرسش از دلیل خلقت عقل روایت شده است: «لَمَا خَلَقَ اللَّهُ الْعَقْلَ... فَقَالَ: وَعِزَّتِي وَجَلَالِي مَا خَلَقْتُ خَلْقًا أَحْسَنَ مِنْكَ، إِيَّاكَ أَمْرًا وَإِيَّاكَ أَنْهَى وَ

إِيَّاكَ أُثِيبُ وَإِيَّاكَ أَعَاقِبُ» (مجلسی، ۱۳۸۷، ۱: ۹۶)؛ وقتی خدای سبحان عقل را آفرید... به او فرمود: به عزّت و جلالم سوگند که موجودی بهتر از تو نیافریدم، تو را امر و نهی خواهم کرد و ثواب و عقابم متوجه تو است؛ همچنین از ایشان مروی است که: «به سبب جولان دادن فکر، رأی پرمنفعت فراهم می‌شود» (نراقی، بی تا، ۱: ۱۶۶).

از امام رضا^(ع) نیز سوال شد که حجت خدا بر خلق در این زمان چیست؟ فرمود: «عقل است که انسان به کمک آن پیامبر و امام راستین را از مدّعی دروغین نبوت و امامت تشخیص می‌دهد و اولی را تصدیق و دومی را تکذیب می‌کند» (حرانی، ۱۳۸۲: ۴۵۰) و نیز از ایشان روایت شده است که فرمود: «عبادت به زیادی نماز و روزه نیست، بلکه عبادت تفکر کردن در امر پروردگار است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲: ۵۵). بنابراین با توجه به روایات رسیده‌ها از پیامبر^(ص) و معصومان^(ع)، عقل سرمایه‌ای ارزشمند است که خداوند متعال در اختیار انسان قرار داده است تا با به‌کارگیری آن در جهت شناخت معبود و محبوب واقعی و فانی بودن دنیای مادی، مقدمات لازم برای کسب معرفت الهی را فراهم کند و به ثمره این معرفت و شناخت، خود را در زیر چتر محبت الهی قرار دهد و با بهترین برنامه‌ریزی برای زندگی، تمام همت خود را صرف اصلاح و آبادانی آخرت خود کند.

۵- در کلام دانشمندان علم اخلاق

در نظر بزرگان دین و علمای علم اخلاق نیز، عقل به‌عنوان ابزار فهم و وسیله‌ای برای ادراک جهان هستی معرفی می‌شود و در حقیقت مایه بصیرت و فهم عمیق است که می‌تواند طریقی برای شناخت و کسب محبت خداوند باشد. آیت‌الله جوادی آملی معتقد است که هدو نیرو در انسان وجود دارد که با یکی از آن‌ها می‌فهمد و با دیگری عمل می‌کند. به نیرویی که عهده‌دار فهم و اندیشه انسانی است، «عقل نظری» و به نیرویی که عهده‌دار عزم و اراده است، «عقل عملی» می‌گویند؛ پس احساس، تخیل و توهم در برابر شک، از شئون عقل نظری و نیت، اراده و عزم در مقابل تردید از شئون عقل عملی است (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۶۴۲). در فرهنگ قرآن، عقل به‌منزله چشم دیگری است که مایه بصیرت نفس نسبت به حقایق برتر است (جوادی آملی، ۱۳۷۸ الف: ۲۴۰).

عقل در حقیقت همان رسول باطنی خداوند و مدّعی رسالت ظاهری است که گاهی صادق است؛ یعنی واقعاً رسول الهی است و زمانی کاذب و متنبی است. عقلی که رسول باطنی

خدا است، گاهی در ادای رسالت صادق است و آن وقتی است که با شرایط ویژه برهان بیندیشد و زمانی کاذب است و آن وقتی است که گرفتار مغالطه گردد. در این حالت، همانند متنبی هیچ سهمی از رسالت الهی ندارد، البتّه رسول واقعی در عالم ظاهر همواره معصوم است و هرگز نبی متنبی نخواهد شد، ولی رسول باطن چنین نیست؛ زیرا ممکن است گاهی متنبی گرفتار اشتباه شود (جوادی آملی، ۱۳۸۷-۱۳۸۹، ۱: ۱۷۰). بنابراین، یکی از راه‌های شناخت خداوند عقل است که انسان با به کارگیری درست آن می‌تواند به شناخت عالم ربوبی نزدیک شود و معرفت فطری را تقویت نماید. عقل می‌تواند با رفع شک و پاسخ به شبهه راه را برای ایمان هموار سازد؛ چون به عنوان حجّت معتبری است که در اختیار همگان قرار دارد و به کمک آن می‌توان به حقانیت اصل دین پی برد و وجود خدا را به عنوان اصل محوری دین پذیرفت (فناپی اشکوری، ۱۳۸۷: ۲).

عقل دو ویژگی ممتاز دارد: ۱- بر تمام قوای انسان احاطه دارد و ملازم و همراه تمامی قوای آدمی است و ۲- در میان تمام قوای انسان، این قوه مورد قصد و عنایت ویژه است و شایستگی دارد که در تمام امور به آن توجه شود (جوادی آملی، ۱۳۹۴، ۲: ۱۶). ایمان داشتن به آنچه عقل به آن باور منطقی دارد، همان ایمان صواب و صحیح است. این ایمان موجب می‌شود تا قوای مادون عقل نیز به مشایعت آن آمده و همگی وظیفه خود را به نیکی انجام دهند، حتی وهم نیز به مشایعت و تبعیت از عقل، به ادراک معانی جزئی می‌پردازد و متخیله نیز صور مناسب با آن را ترسیم می‌نماید (همان: ۲۸۴). ادراک‌های سه گانه حس، وهم و خیال مربوط به امور جزئی است، اما اگر از این مراحل جزئی بگذرد و به ادراک کلی برسد (یعنی بدون در نظر گرفتن خصوصیات افراد از جهت مادی، زمانی، مکانی و... ادراک کند)، به مرحله تعقل رسیده است و آن قوه‌ای که در این مرحله کار می‌کند و انسان به کمک آن می‌تواند آن معانی کلی را ادراک کند، عقل نامیده می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۴، ۲: ۲۳). احتیاج به عقل از دو جهت است: ۱- برای دریافت صحیح آنچه عالم القا می‌کند و ۲- برای شناخت عالمی که شایستگی آموزش دادن دارد (مجلسی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۱۳۸).

لذا همه کارها مبدأ عقلی دارد؛ چرا که عقل سلطان قوای نازله و حاکم بر آنهاست، حس و خیال و وهم گروه مورد نظر را تعدیل می‌کند، وقتی تعدیل کرد، عقل دستور می‌دهد و به دستور او وهم، خیال، تخیل، حس، احساس، اعضا و جوارح به تلاش برمی‌خیزند و چون در این صور، مبدأ نخست و فرمانروای کل عقل است، پس معیار سنجش نیز عقل است (جوادی

آملی، ۱۳۴: ۱۳۸۷)؛ یعنی انسان با داشتن نعمت عقل، به‌طور کلی از نیرویی برخوردار است که می‌تواند با آن حقایق را درک کند، بصیرت پیدا کند و به‌واسطه آنبر سایر حیوانات برتری یابد، نفس را مهار کند، در مقابل آرا و اندیشه‌ها عکس‌العمل نشان دهد، از ارتکاب به زشتی‌ها اجتناب کند، قوای دیگر بدن را با خود همراه کند و آن‌ها را تحت تسلط خود دریاورد.

بنابراین کسی که برخلاف فتوای عقل و فطرت رفتار کند، عهد خدا را نقض کرده است و خداوند با همان عقل بر او احتجاج می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ۲: ۵۵۰)؛ بنابراین بر پایه شناخت عقلی، محبت فقط به موجودی تعلق می‌گیرد که اصل هستی و کمال انسان را تأمین می‌کند؛ یعنی فقط خدای سبحان شایسته محبت است. بنابراین محبت خدای سبحان اصل و متبوع و محبت شرایع، احکام و اولیای الهی، فرع و تابع است و انسان را به محبوب حقیقی می‌رساند (همان: ۳۰۳)، البته قوه عاقله برای تعقل، نیازمند فضای صاف و پاک از دام‌های وهمی و خیالی است و پس از ایجاد شرایط و رفع موانع، نیاز به آن است که سمت نظر و آنچه مطلوب است، مشخص شده، حد وسط مناسب با آن پیدا شود و شرایط درونی قوه عاقله برای تعقل فراهم گردد (جوادی آملی، ۱۳۷۸ الف: ۲۶۷). بنابراین انسان عاقل بر اساس برهان عقلی و نقلی، تنها رافع نیاز و در نتیجه تنها محبوب خود را خدا می‌داند (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۸: ۲۶۶). پس اگر انسانی دنیاپرست باشد و در واقعیت‌ها و در مورد قیامت و آخرت نیندیشد، از نظر قرآن عاقل و خردمند محسوب نمی‌شود و همانند خردورزان محشور نخواهد شد (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ب: ۴: ۹۱).

عقل به وجوب محبت خداوند حکم می‌نماید؛ زیرا به موجب آن به انسان نفع می‌رسد و فرمان عقل جز برای جلب نفع و دفع ضرر نیست؛ پس به وجوب محبت منعم و محسن و وجوب شکر در ازای نعمت حکم می‌کند (کاشی، بی تا: ۲۲۳). عاقلی که با اندیشه تعقلی به سر می‌برد، قبض و بسط، جذب و دفع، ارادت و کراهت، محبت و عداوت او در محور ظریف عقلی دور می‌زند و چون هر چه ادراک قوی‌تر باشد، آثارش در اندوه و نشاط بیشتر خواهد بود و ادراک عقلی قوی‌تر از ادراک حسی است، پس تألم حاصل از اشارت بیش از درد ناشی از ضرب و جرح است؛ زیرا یکی با حس ادراک می‌شود و دیگری با عقل. بنابراین رنجوری عاقلان از کنایت، اشارت، استعارت و مانند آن، بیش از دردمندی جاهلان از چوب، نیزه و نظایر آن است (جوادی آملی، ۱۳۹۴، ۲: ۲۹). پس باید به نقش مهم عقل در تحقق

سعادت توجه کرد؛ زیرا نقش عقل تبعی است و در کنار نقل معتبر عمل می‌کند و به‌عنوان معبری برای سعادت است (مصباحی جمشید، ۱۳۹۸: ۲۷)؛ زیرا ثمره عقل، علم است و نتیجه آن ایمان است (جوادی آملی، ۱۳۹۷: ۳۴۱)، البته گروهی از صاحب‌نظران معتقدند که عقل مانند کتاب و سنت از منابع دین است، اما کارآمد نیست؛ یعنی هیچ موردی نیست که عقل به مطالبی برسد و فتوا بدهد، مگر این که در همان منطقه دلیلی از قرآن و روایات هم وجود دارد؛ یعنی اگر چه عقل از منابع دینی است، ولی اثر عملی ندارد؛ زیرا هر جا دلیل عقلی هست، دلیل نقلی نیز وجود دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۹۷).

بنابراین آیت الله جوادی آملی، با تفکیک عقل نظری و عملی به عنوان دو قوه از قوای نفس، عقل عملی را مجری امور مربوط به عمل انسان می‌داند (صالحی ساداتی و دیگران، ۱۳۹۷: ۶۷). ایشان برای این گفته خود دو دلیل را مطرح می‌کنند: اول این که برهان‌های قاطع عقل نظری، در دسترس فهم همه مردم نیست و دوم این که همه انسان‌ها اعم از علما، خواص، توده مردم و کسانی که با براهین عقل آشنا نیستند، نیازمند مسائل عقل عملی هستند و همراه جاذبه و دافعه حرکت می‌کنند. به همین دلیل، بشارت به بهشت و ترس از جهنم، در قرآن مکرر ذکر شده است؛ چون فراگیرتر از بخش نظری است (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۳۰۰). کارکرد عقل نظری، درک و فهم، اتصال با مبادی عالی و دریافت علوم از آن‌ها و رسیدن به مرتبه تجرد عقل فعال است. کارکرد عقل عملی، استكمال و رشد عملی و اخلاقی نفس است (عسکرزاده مزرعه، ۱۳۹۸: ۱۵) ملاصدرا نیز انسان را تنها موجودی دانسته است که در برابر خود، خداوند و هم‌نوعان و طبیعت دارای مسئولیتی بس عظیم است و بر این اساس، غایت فلسفه را استكمال نفس انسان از جهت عقل نظری و عقل عملی می‌داند (سلطانی کوهانستانی، ۱۳۹۸: ۲۲)، البته اهل معرفت، عقل متعارف را برای یک مرحله لازم می‌دانند، اما در مرحله دیگر، همین عقل، عقال می‌شود که جلوی غرایز و امیال سرکش را بگیرد؛ یعنی انسانی که بخواهد به اوج لقای حق برسد، عقل متعارف مانع آن است؛ زیرا به او می‌گوید سلامت خود را از دست مده؛ برای مثال، اگر بخواهد شهید شود، به او می‌گوید: دیگران هستند، تو فرزند داری و در مقابل تربیت آن‌ها مسئول هستی. تو می‌توانی از راه‌های دیگری به جامعه‌ات خدمت کنی (جوادی آملی، ۱۳۹۸: ۷۰) در نزد اهل معرفت، جهاد اکبر، جنگ بین عقل و عشق است. کسی که عارف و مشتاق لقای حق باشد، جهاد اکبرش، جهاد بین عقل و عشق است. آن‌گاه او می‌کوشد تا عشق و محبت را بر عقل پیروز کند، عقل در مقابل عشق، عقال شده است؛ زیرا

عقل مصطلح در ساحت عشق در مصاف با عقل مصطلح عاقلان، چونان وهم و خیال است (همان: ۷۱). بنابراین افرادی که خداوند را عاشقانه می‌پرستند و برای لقای او لحظه‌شماری می‌کنند، در مصاف عقل و عشق، عشق را پیروز میدان می‌کنند و با تمام وجود برای وصال محبوب، تلاش می‌کنند؛ زیرا رسیدن به محبوب حقیقی و کسب رضایت او در نظر آنان برتر از تمام دنیا و محبوب‌های دیگر است.

آیت‌الله جوادی آملی معتقد است که عقل انسان فقط عهده‌دار فهم واقعیت‌ها نیست، بلکه باید در حوزه عمل نیز رفتارها را مدیریت کند و با شناخت رفتارهای صحیح و تحریک نفس به انجام بهترین و نافع‌ترین آن‌ها، مؤثر باشد. بنابراین انسان عاقل در قدم اول بر اساس برهان‌های عقلی و نقلی، فقط کسی را شایسته محبت خود می‌داند که غنی مطلق و رافع همه نیازهای خلق باشد. بر این اساس، پس از انتخاب محبوب واقعی، برای اثبات محبت خود، ابتدا به دستور محبوبا به کارگیری عقل، بهترین برنامه‌ریزی را برای زندگی خود و اصلاح آخرت انجام می‌دهد و قوای مادون عقل را نیز با آن همراه می‌کند تا همگی وظایفشان را به خوبی انجام دهند و برای دستیابی به بهترین نتایج، با تبعیت از حق و گوش دادن به کلام اولیا و خردمندان، دنیا و همه محبوب‌های دیگر را به منزله ابزاری برای دستیابی به رضایت محبوب واقعی قرار می‌دهد؛ چون استفاده ابزاری از دنیا، او را بصیر می‌کند و قلبش را با نور محبت و معرفت خداوند روشن کرده و از محبت غیر خدا تهی می‌کند، البته چنین خواسته‌ای در ابتدا فقط لقلقه زبان است، اما پس از مدتی تعقل و فهماندن آثار محبت به خدا به دل، نتایج خداپسندانه‌ای را به دنبال دارد. بنابراین به کارگیری عقل در جهت کسب خشنودی خداوند، محبت او را نیز به دست خواهد آورد؛ زیرا انسان عاقل خواسته خود را فدای خواسته محبوب می‌گرداند و به جز حدیث او چیزی نمی‌شنود و نمی‌گوید تا علاوه بر تجدید عهد و اثبات محبت به محبوب، بتواند زندگی ثمربخشی داشته باشد.

بنابراین طبق کلام معصومان^(ع) و بزرگان علم اخلاق، اندیشیدن و استفاده ابزاری از محبوب‌های غیرحقیقی، قدرت درک و فهم انسان را متعالی می‌کند، مجال تفکر و تعقل بیشتری برایش فراهم می‌شود و باعث دوراندیشی و واقع‌نگری در امور زندگی می‌شود. داشتن چنین روحیه و انگیزه‌ای سبب می‌شود که انسان به کمک نیروی عقل و تدبیر، سعادت ابدی و جاودانی خود را فدای امور فانی و زودگذر ننماید و قبل از اقدام به هر کاری در مورد آن خوب اندیشه کند و با دیگران نیز مشورت کند، پس باید منفعت‌ها و ضررهای احتمالی

آن را کنار هم بگذارد و با ترازوی عقل خویش آن‌ها را بسنجد و با در نظر گرفتن عواقب آن، عاقلانه و عالمانه وارد هر کاری شود. بنابراین با چنین دیدگاهی بعد از اقدام و تلاش خالصانه، توکل کرده و نتیجه کار را به خدا واگذار می‌کند و هرگز پشیمان نخواهد شد.

نتیجه‌گیری

انسان با به‌کارگیری عقل خود در جهت شناخت خداوند، علاوه بر تبعیت از اوامر الهی و معصومان^(ع)، راه را برای معرفت به حق که مقدمه محبت و عشق به خداوند است، از طریق شناخت عالم ربوبی هموار می‌کند. بنابراین پایه این شناخت عقلی محبت فقط شایسته موجودی است که اصل هستی و کمال انسان را تأمین کند و سایر محبوب‌ها ابزاری برای رسیدن به این محبوب حقیقی است. استفاده از نیروی عقل، علاوه بر رفع شک و پاسخ به شبهات از طریق منطقی، راه را برای دستیابی انسان به ایمان حقیقی هموار می‌سازد. بنابراین آقای جوادی آملی با تفکیک عقل عملی و نظری و اختصاص دادن برهان‌های عقل نظری به خواص، فقط عقل عملی را به دلیل آشنایی توده مردم با آن، مسئول اجرای امور مربوط به عمل انسان معرفی می‌کند.

عقل‌ورزی سرمایه‌ای الهی برای شناخت دنیا، آخرت و کسب سعادت بشریت است، بنابراین به‌کارگیری آن در جهت خواسته‌های خداوند متعال و معصومان^(ع)، علاوه بر تقویت معرفت الهی، موجب بروز ایمان واقعی و پذیرش خداوند به‌عنوان حقیقی‌ترین محبوب و اصل محوری دین می‌شود و با تقویت و توسعه بیشتر عقل‌ورزی در امور زندگی، بستر لازم برای رسیدن به هدف خلقت فراهم می‌شود. بنابراین انسان‌مؤمن، خود را به زیور عقل آراسته و از آن به عنوان حجّتی معتبر در نیل به مقاصد الهی، بهره خواهد گرفت که ثمره آن حصول علم و ایمان واقعی و در نهایت جلب محبت خدا است.

فهرست منابع

*قرآن

*نهج البلاغه

- ۱- ابن سیده مرسی، علی بن اسماعیل، (۱۴۲۱ق)، *المحکم و المحيط الاعظم*، محقق: عبدالحمید هنداوی، بیروت، محمدعلی بیضون.
- ۲- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر.
- ۳- انصاری قمی، مهدی، (بی تا)، *اکمال غررالحکم*، تهران، دلیل ما.
- ۴- ایمانی خوشخو، مریم و دیگران، (۱۳۹۱)، «عوامل و موانع اندیشه‌ورزی از منظر قرآن»، فصلنامه علمی ترویجی علم، ش ۳.
- ۵- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، (۱۳۶۶)، *تصنیف غررالحکم و دررالکلم*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۶- جعفری، یعقوب، (۱۳۷۶)، *تفسیر کوثر*، قم، هجرت.
- ۷- جوادی آملی، عبدالله و دیگران، (۱۳۹۴)، *ادب فنای مقربان*، قم، اسراء.
- ۸- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۷۸ الف)، *معرفت‌شناسی در قرآن*، قم، اسراء.
- ۹- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۵)، *توحید در قرآن*، قم، اسراء.
- ۱۰- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۷-۱۳۸۹)، *تفسیر تسنیم*، قم، اسراء.
- ۱۱- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۸ ب)، «فطرت در آینه قرآن»، فصلنامه علمی انسان‌پژوهی دینی، محلاتی، ش ۲۳.
- ۱۲- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۷۸ ب)، *معاد در قرآن*، قم، اسراء.
- ۱۳- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۷)، *مبایذ اخلاق در قرآن*، قم، اسراء.
- ۱۴- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۹ ب)، *انتظار بشر از دین*، قم، اسراء.
- ۱۵- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۷)، *ادب قضاء در اسلام*، قم، اسراء.
- ۱۶- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۸ الف)، *مراحل اخلاق در قرآن*، قم، اسراء.
- ۱۷- جوهری فارابی، اسماعیل بن حماد، (۱۴۰۴ق)، *تاج اللغة و صحاح العربیة*، محقق: عبدالغفور عطار، بیروت، دارالعلم ملایین.
- ۱۸- حرانی، ابن شعبه، (۱۳۸۲)، *تحف العقول عن آل الرسول*، مترجم: صادق حسن‌زاده، قم، آل علی (ع).
- ۱۹- حسینی زبیدی، محمد بن محمد مرتضی، (۱۳۸۵)، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت، دارالهدایة.
- ۲۰- خلیلی، محمدحسین، (۱۴۳۲ق)، *مقام محبت الهی از منظر حکمت و عرفان نظری*، قم، المصطفی.
- ۲۱- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۸۷)، *مفردات الفاظ قرآن کریم*، قم، نوید اسلام.
- ۲۲- رحیمی، احسان و دیگران، (۱۳۹۷)، *عقل و عقل‌ورزی از منظر روایات به عنوان مبنایی برای سرمایه‌های سازمان (انسانی، اجتماعی، روان‌شناختی و معنوی)*، مدیریت سرمایه‌های اجتماعی، دوره پنجم، ش ۴.

- ۲۳- زینلی، محمدعلی، (۱۳۹۸)، «مهارت‌های عقل‌ورزی در قرآن و استلزامات آن برای اصلاح یا تکمیل برنامه فلسفه برای کودکان»، دو فصلنامه علمی پژوهشی تربیت اسلامی، سال چهاردهم، ش ۲۸.
- ۲۴- سلطانی کوهانستانی، مریم، (۱۳۹۸)، انسان‌شناسی صدرایی، دو فصلنامه علمی، فرهنگی- اجتماعی ساواندیشه، سال دوم، ش ۵.
- ۲۵- صالحی ساداتی، علیرضا و دیگران، (۱۳۹۷)، «فلسفه اخلاق جوادی آملی»، اخلاق و حیانی، پیاپی ۱۴، ش ۱۰.
- ۲۶- طباطبایی، سیدمحمدحسین، (۱۳۷۴)، تفسیر المیزان، مترجم: محمدباقر موسوی همدانی، قم، نشر اسلامی.
- ۲۷- طباطبایی، سیدمحمدحسین، (۱۳۶۰)، المیزان فی تفسیر القرآن، اسماعیلیان، بی‌جا، دارالکتاب الاسلامیه.
- ۲۸- طبرسی، حسن بن فضل، (۱۳۷۰)، مکارم الأخلاق، قم، شریف رضی.
- ۲۹- عسکرزاده مزرعه، اکرم، (۱۳۹۸)، «عقل نظری و عقل عملی از نظر ملاصدرا»، دو فصلنامه علمی، فرهنگی- اجتماعی ساواندیشه، سال دوم، ش ۵.
- ۳۰- فنایی اشکوری، محمد، (۱۳۸۷)، «نسبت عقل و ایمان در آموزه‌های اسلامی»، مجله معرفت، ش ۱۳۳.
- ۳۱- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، (۱۳۸۳)، محجة البیضاء فی تهذیب الاحیاء، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- ۳۲- فیومی، احمد بن محمد، (۱۴۱۴ق)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، قم، دارالهجره.
- ۳۳- قرشی بنایی، علی اکبر، (۱۳۰۷)، قاموس قرآن، تهران، اسلامیة.
- ۳۴- کاشی، عبدالرزاق بن جلال الدین، (بی‌تا)، شرح منازل السائرین خواجه عبدالله انصاری، قم، نشر بیدار.
- ۳۵- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، اصول کافی، تهران، اسلامیة.
- ۳۶- مجلسی، محمدباقر، (۱۳۸۷)، بحار الانوار الجامعه لدرر الاخبار الائمة الاطهار، تهران، اسلامیة.
- ۳۷- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۴ق)، مرآة العقول فی شرح اخبار الرسول، تهران، دارالکتب اسلامیة.
- ۳۸- محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۸۴)، میزان الحکمه، قم، دارالحديث.
- ۳۹- مصباحی جمشید، پرستو، (۱۳۹۸)، «بررسی امکان تربیت دینی بر مبنای نظریه عقلانیت و حیانی با تکیه بر نظریات علامه جوادی آملی»، اخلاق و حیانی، پیاپی ۱۶، ش ۲.
- ۴۰- نراقی، احمد، (۱۳۸۶)، معراج السعادة، تهران، حلم.
- ۴۱- نراقی، محمد مهدی، (بی‌تا)، جامع السعادات، بیروت، موسسه اعلمی.
- ۴۲- ورام، ابن ابی فراس حلی، (۱۴۳۶ق)، تنبیه الخواطر و نزهه النواظر، کربلاء، العتبة الحسینیة المقدسة.

REFERENCES

*The Quran

* Nahj al-Balaghah

- 1- Ibn Sidah Morsi, Ali Ibn Ismail, (1421 A.H), Al-Muhkam wa Al-Muhit Al-Azam, Researcher: Abdul Hamid Hindawi, Beirut, Mohammad Ali Baidoun.
- 2- Ibn Manzur, Muhammad ibn Mukram, (1414 A.H), Lisan al-Arab, Beirut, Dar Sader.
- 3- Ansari Qomi, Mehdi, (No date), Ekmal Ghurar al-Hikam, Tehran, Dalil-e Ma.
- 4- Imani Khoshkhoo, Maryam et al., (2012), Factors and Barriers to Thinking from the Perspective of the Qur'an, Science Promotion Quarterly, Vol. 3.
- 5- Tamimi Amedi, Abdul Wahed bin Mohammad, (1987), Ghurar al-Hikam and Durar al-Kalem, Qom, Islamic Propaganda Office.
- 6- Jafari, Yaqub, (1376), Tafsir Kawthar, Qom, Hijrat.
- 7- Javadi Amoli, Abdullah et al., (2015), Adab-e Fana-ye Moqarraban, Qom, Esra'.
- 8- Javadi Amoli, Abdullah, (1378 A), Epistemology in the Qur'an, Qom, Esra'.
- 9- Javadi Amoli, Abdullah, (1385), Tawhid in the Quran, Qom, Esra'.
- 10- Javadi Amoli, Abdullah, (1387-1389), Tafsir Tasnim, Qom, Esra'.
- 11- Javadi Amoli, Abdullah, (1398 B), Nature in the Mirror of the Qur'an, Scientific Quarterly of Human-Religious Research, Mahallati, Vol. 23.
- 12- Javadi Amoli, Abdullah, (1378 B), Resurrection in the Quran, Qom, Esra'.
- 13- Javadi Amoli, Abdullah, (2008), Principles of Ethics in the Quran, Qom, Esra'.
- 14- Javadi Amoli, Abdullah, (2010b), Man's expectation from Religion, Qom, Esra'.
- 15- Javadi Amoli, Abdullah, (1397), Judicial Literature in Islam, Qom, Esra'.
- 16- Javadi Amoli, Abdullah, (1398a), Stages of Ethics in the Qur'an, Qom, Esra'.
- 17- Johari Farabi, Ismail Ibn Hammad, (1404 A.H), Taj al-Lugha and Sahah al-Arabiya, Researcher: Abdul Ghafoor Attar, Beirut, Dar al-ilm lil Malaeen.
- 18- Harrani, Ibn Shu'bah, (2003), Tuhaf al-Uqul an Ali al-Rasul, translated by: Sadegh Hasan-zadeh, Qom, Al-e Ali (AS).
- 19- Hosseini Zubaydi, Mohammad Ibn Mohammad Morteza, (1385), Taj al-Arus min Jawahir al-Qamoos, Beirut, Dar al-Hedaya.
- 20- Khalili, Mohammad Hussein, (1432 A.H), The Position Of Divine Love From The Perspective Of Theoretical Wisdom And Mysticism, Qom, Al-Mustafa.
- 21- Ragheb Isfahani, Hussein Ibn Mohammad, (1387), Mufradat Alfaz al-Quran al-Karim, Qom, Navid Islam.
- 22- Rahimi, Ehsan et al., (2015), Wisdom and Rationalism from the Perspective of Narrations as a Basis for Organizational Investments Such as (Humane, Social, Psychological and Spiritual), Social Capitals Management, Volume 5, Issue 4.
- 23- Zeinali, Mohammad Ali, (1398), Rationality-based Skills in the Qur'an and its Implications for Modifying or Completing the "Philosophy for Children" Program, Bi-Quarterly Journal of Islamic Education, Year 14, p. 28.
- 24- Soltani Kohanestani, Maryam, (1398), Sadraee Anthropology, Scientific, Cultural-Social Bi-Quarterly Journal of Sa-va-Adisheh, Year 2, p.5.

- 25- Salehi Sadati, Alireza et al., (1397), The Philosophy of Ethics of Javadi Amoli, Revelation Ethics, Year 14, p.10.
- 26- Tabatabai, Seyyed Mohammad Hussein, (1374), Tafsir Al-Mizan, Translated by: Mohammad Baqer Mousavi Hamedani, Qom, Islamic Publishing.
- 27- Tabatabai, Sayyid Muhammad Hussein, (1360), Al-Mizan Fi Tafsir Al-Quran, Ismailian, No Place, Dar al-Kutub al-Islamiya.
- 28- Tabarsi, Hassan Ibn Fadl, (1370), Makarem Al-Akhlaq, Qom, Sharif Razi.
- 29- Askarzadeh Mazraeh, Akram, (1398), Theoretical And Practical Intellect From The Point Of View Of Mulla Sadra, Bi-Monthly Scientific, Cultural-Social Journal Sa-va-Andisheh, Year 2, p.5.
- 30- Fanaei Eshkevari, Mohammad, (2008), The Relationship between Reason and Faith in Islamic Teachings, Journal of Knowledge, Vol. 133.
- 31- Faiz Kashani, Mohammad Ibn Shah Morteza, (1383), Al-Bayda Mosque in the Civilization of Revival, Qom, Seminary Teachers Association.
- 32- Fayumi, Ahmad Ibn Muhammad, (1414 AH), Mahajjat al-Bayda' fi Tahzib al-Ahya', Qom, Dar Al-Hijra.
- 33- Ghorashi Bonabi, Ali Akbar, (1307), Qamous al-Quran, Tehran, Islamiya.
- 34- Kashi, Abdul Razzaq bin Jalaluddin, (No date), Sharh Manazil al-Sairin li Khawaja Abdulah Ansari, Qom, Bidar Publishing.
- 35- Kulaini, Mohammad Ibn Yaqub, (1407 A.H), Usul al-Kafi, Tehran, Islamiya.
- 36- Majlisi, Mohammad Baqir, (2008), Bahar al-Anvar Al-Jame'a Ledurar Akhbar al-Aimmat al-Athar, Tehran, Islamiya.
- 37- Majlisi, Mohammad Baqir, (1404 A.H), Mir'at al-Uqul fi Sharh Akhbar al-Rasul, Tehran, Dar al-Kutub al-Islamiya.
- 38- Mohammadi Reyshahri, Mohammad, (1384), Mizan al-Hikma, Qom, Dar al-Hadith.
- 39- Mesbahi Jamshid, Parastoo, (1398), Study Of The Possibility Of Religious Education Based On The Theory Of Revelatory Rationality According To The Theories Of Allameh Javadi Amoli, Revelation Ethics, Year 16, Vol. 2.
- 40- Naraghi, Ahmad, (2007), Mi'raj al-Sa'adat, Tehran, Helm.
- 41- Naraghi, Mohammad Mehdi, (No date), Jame Al-Sa'adat, Beirut, A'lami Institute.
- 42- Warram, Ibn Abi Firas Hilli, (1436 A.H), Tanbih al-Khawatir wa Nuzha al-Nawazir, Karbala, Ataba Al- Al-Husseiniyya al-Muqaddasa.